

انہن کما قال الا ان النساء خلقن شتى فمنهن الغنیمة و الغرام ومنهن الہلال اذا تجلی لصاحبه ومنهن الظلام فمن یظفر بصالحتهن یسعد و من یعثر فلیس له انتقام و هن ثلث نامرة بکرو لود و دود تعین زوجها علی دهره لدنیاه و اخرته و لاتعین الدھر علیہ و امرأة عقیم لاثات جمال و لاخلق و لاتعین زوجها علی خیر و امرأة صخابة و لاجة همارة تستقل الكثير و لا تقل الیسیر ترجمہ راوے میگوید بہ صادق آل محمد ؛ عرض کردم فوت نموده است زوجہ ام کہ موافق بود با حال و عزم کردم تزویج فرمود ملاحظہ کن با چہ کسی وصات میکنی و چہ کسیرا شریک میگردانی درمالت و مطلع میکنی او را بر دین و بر اسرار پس اگر عزم هستی تزویج کن زن با کرہ کہ منسوب باشد بخیر و بخلق نیک بدانکہ زنها خلق شدہ اند مختلف بعضی از آنها غنیمہ است و شدید العاقبة هستند بشوہر بعضی از آنها مثل ہلال است وقتی کہ تجلی میکند بعضی از آنها بسیار ظلم کنندہ هستند بشوہر کسیکہ ظفر یافت بصالح آنها درک نموده است سعادت را کسیکہ اغربد نیست برائے او انتقامی زنها نہ نمرہ هستند زن باکرہ و لود و بسیار شوہر دوست معاونت میکنند او را در امور زندگی دنیوی و اخروی زن عقیم کہ نیست برای او جمال و خلق نیک و معاونت نمیکنند او را در امر خیر زن شدید الصوت کہ بسیار وارد شونده است بر شوہر و طعنه زنندہ و عیب گو است او را کم می بیند بسیار را قبول نمیکند کم را فی الوسائل - قال سمعت ابا عبد اللہ ، يقول انما المرأة قلادة فانظر ما تقلد و لیس للمرأة خطر لا لصالحتهن و لاطالحتهن فاما صالحتهن فلیس خطرها الذهب و الفضة ہی خیر من الذهب و الفضة و اما طالحتهن فلیس خطرها التراب التراب خیر منها ترجمہ راوے میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادق ؛ فرمود زن بمنزلہ قلادہ است ملاحظہ و دقت کنید در این قلادہ نیست برای زن مثل و شانی نہ از برائے نیکان آنها و

نه از برائے بدان آنها اما نیکان آنها نیست مثل و شان آنها طلا و نقره آنها بهترند از طلا و نقره اما بدان آنها نیست مثل و شان آنها خاک خاک بهتر است از آنها فی البحار - عن الصادق ، قال قلت له ، انی ارید اتزوج امرأة و ان ابوی ارادا غیرها قال ، تزوج الی هویت و دع الی هوی ابواک ترجمه راوے میگوید سؤال کردم از حضرت صادق ، اراده کرده ام تزویج زنی را پدر و مادرم اراده کرده اند غیر او را فرمود تزویج کن زنی را که میل تو است با او و گذار کن زنی را که پدر و مادر مایلند با او . غرض واقعی از ازدواج ۱ - حفظ سلسله وجود بنی آدم ۲ - تشکیل هیئت اجتماعی بشر که بهم مربوط و پیوند بشوند ۳ - صحت مندی مزاج ۴ - معاونت بهم دیگر در امور زندگی دنیوی و اخروی اصولی است که سعادت و خوشبختی بشر منوط باو است نائل شدن باین سعادت موقوف بشرایطی است که اعمال آن از اهم امور است این است که قانون گذار اسلام باو اهمیت داده و سعادت بشر را باو متوقف نموده قبلاً و بعداً شرائط و دستورانی جهت آن مقرر فرمود برائے رسیدن بسعادت و استحکام این علاقه و پیوند و عدم گسیختن آن اموری چند فرض و لازم شمرد این است که قبلاً رؤیت هم دیگر را قانون گذارده رضایت طرفین را شرط و واجب نموده تأمل و دقت در این امر را مهم دانسته میتوان گفت مهمترین قوانین اسلام مسئله ازدواج است لذا جمع مابین دنیا و آخرت را باو متوقف نمود مختصری از فوائد رضایت و خوشنودی از یکدیگر در تحت چند ماده توضیح داده میشود . ادامه بین آنها ، کثرت نسل ، زندگانی خوش ، مسرت دائمی مرد و زن ، صحت مزاج ، نبودن ضرر در حال و قاع باحالت عشق و محبت ، محبت بین خویشان مرد و زن ، تشکیل هیئت اجتماعی بشر ، معاونت بیکدیگر در امور زندگی

از روی شوق و صفا دنیوی و اخروی ، عشق مرد در تجارت و زراعت و کار ، عشق زن در امور خانه از نظافت طبعی خانه دار ، حفظ و حراست نمودن مال شوهر را حضوراً و غیاباً ، برطرف شدن حزن و غم از ملاقات یکدیگر ، جلوگیری از خیالات فاسده مرد و وارد نشدن در اعمال قبیحه ، حفظ نمودن زن خود را از اجانب ، حفظ نسل ، نتایج مشرقبه بر اولاد ، استواری خلقت در حال انعقاد نطفه با حالت شوق و محبت ، مؤثر بودن حالت عشق و میل در حال وقاع در استعداد و ذکاوت ، کثرت عقل و شعور و حافظه ، فصاحت و بلاغت ، خونگامی صورت و ملاحظت ، بشاشی صورت و طلاقت وجه ، خوش اندامی بدن و اعضاء ، خوشحالی از پدر و مادر ، طلب مغفرت و دعا نمودن بآنها ، چالاک و زرنگی آنها در کار و شغل ، مایل بودن بخیرات و به کارهای نیک ، میل بخدمت نمودن بهم نوع ، محبوب بودن آنها نزد جامعه ، میل بخدمت نمودن بدولت و مملکت ، خوشحالی خدا و رسول از آنها ، حسن عاقبت ، دخول در جنة ، مخفی و پوشیده نماندن که موافق نبودن اخلاق و عدم رضایت نتایج آن برعکس خواهد بود و نظریات شارع مقدس را در مسئله ازدواج از دستورائی که مقرر فرمودند چه قبل از ازدواج چه بعد میتوان اهمیت آن را بدست آورد و فوائد مذکوره را يك هزارم آن دانست تبصره مراد از لفظ یشتربها که در بعضی اخبار ذکر آن شده بقرائن خارجی خریدن نیست بلکه کنایه از شدت اهتمام باحسان و محافظت نمودن زن است از مهالك و مخاطر



# اهمیت ازدواج و قر و احترامات زن در اسلام وظائف مرد - وظائف زن

فی الوسائل - قال رسول الله ص من تزوج احرز نصف دینه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه زن گرفت محافظت نموده است نصف دینش را فی الوسائل - قال رسول الله ص من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجة ترجمه رسول خدا ص فرمود کسیکه دوست دارد ملاقات کند خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند او را در حالیکه برائے او باشد زن فی الوسائل - قال رسول الله ص یا معشر الشاب علیکم بالباه ترجمه رسول اکرم ص فرمود ای گروه جوانان لازم است برای شما جماع فی الوسائل - قال رسول الله ص ما احب من دنیاکم الا النساء و الطیب ترجمه رسول اکرم ص می فرماید دوست ندارم از دنیای شما مگر زن و عطر را فی الوسائل - قال النبی ص حب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعل قره عینی فی الصلوة ترجمه رسول اکرم ص فرمود محبوب است نزد من از دنیای شما زن و عطر و قرار داده شد نور چشمم در صلوة فی الوسائل - قال رسول الله ص جعل قره عینی فی الصلوة و لذتی فی النساء ترجمه رسول اکرم ص میفرماید قرار داده شده نور چشمم در صلوة و لذت من در زن فی الوسائل - قال رسول الله ص ملعون ملعون من ضیع من یعوله ترجمه رسول اکرم ص فرمود ملعونست ملعون کسیکه ضایع بگذارد عیالش را فی الوسائل - قال رسول الله ص خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لا هلی

ترجمه رسول خدا ص فرمود بهترین شما احسان کننده ترین شما است نسبت باهل و من احسان کننده ترین شما هستم نسبت باهل فی الوسائل - قال رسول الله ص الا خیرکم خیرکم نسائه و انا خیرکم نسائی ترجمه رسول اکرم ص فرمود آگاه باشید ای مردم بهترین شماها نسائی هستند که نیکی کننده ترین شماها باشد نسبت بزنها و من نیکی کننده ترین شما هستم بزنها فی الوسائل - قال رسول الله ص انما المرثة لعة من اتخذها فلا یضیعها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید زن بازیچه و سبب تفریح و لذت شما است پس کسی که دارای زن شد ضایع نگذارد او را فی الوسائل - قال رسول الله ص خیر نسائکم العفیفة الغلظة ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بهترین زنهای شما زنی است با عفة و پر شهوت فی الوسائل - عن ابی جعفر ؛ قال لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادة و لا ینبغی ان تدع یدها من الخضاب و لو ان تمسحها مسحاً بالحناء و ان كانت مسنة ترجمه محمد ابن علی الباقر ؛ میفرماید سزاوار نیست از برای زن که مهمل بگذارد نفس خود را اگر چه شده است آویزان کند در گردنش طوقی و سزاوار نیست از برای او ترك خضاب اگر چه شد است مس نماید حناراً بدست اگر چه باشد پیره زن فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال جاء رجل الی ابی فقال ؛ له هل لك من زوجة قال لا فقال ابی ما احب ان لی الدنيا و مافیها و انی بت لیلة ولیست لی زوجة ثم قال ؛ الركعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم لیلہ و یصوم نهاره ثم اعطاه ابی سبعة دنانیر ثم قال ؛ تزوج بهذه ثم قال ابی قال رسول الله اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید شخصی آمد خدمت پدرم باو فرمود آیا از برای تو هست عیالی عرض کرد خیر پدرم فرمود دوست ندارم ،الك دنیا بشوم و بخوابم يك شب بی زن بعد

فرمود دو رکعت نماز آدم متأهل نزد خدا افضل است از آدمیکه تمام شبها را به عبادت و روزها را بروزه و نپاشد از برائے او زن و عطا کرد باو هفت دینار و امر نمود او را بتزویج پس فرمود پیغمبر ص امر و تاکید نموده است عمل تزویج را چون در او است معاونت رزق فی الوسائل -

عن ابی عبد الله قال ، من اخلاق الانبياء حب النساء ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید از اخلاق انبیاء است دوست داشتن زنها فی الوسائل - قال رجل سمعت الصادق ؛ يقول كلما ازداد للنساء حبا ازداد فی الايمان فضلا ترجمه شخصی گفت شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود هر قدر زیاد شود در قلوب محبت زن باعث زیادتی فضیلت است در ایمان فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال كل من اشتد لنا حبا اشتد للنساء حب وللحواء ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید هر کس شدید و محکم بشود محبتش نسبت بهما شدید و محکم میشود محبتش نسبت به زن و بشرینی فی الوسائل - عن ابی عبد الله قال ؛ اکثروا الخیر فی النساء ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؛ میفرماید بسیار کنید نیکی و خیر را نسبت به زنها فی الوسائل - قال الراوی رأیت ابا الحسن ؛ اختضب فقلت جعلت فداك اختضب فقال ؛ نعم ان التهیة مما تزيد فی عفة النساء ولقد ترك النساء العفة بترك ازواجهن التهیة ثم قال ؛ ایسرك ان تراها علی ما تراك علیها اذ كنت علی غیر تهیة قلت لا قال ؛ فهو ذاك ثم قال ؛ من اخلاق الانبياء التظف و التظیف و حلق الشعر و كثرة الطروقة ترجمه راوے میگوید ملاقات کردم معصومرا در حالیکه خضاب کرده بود عرض کردم فدائے تو شوم خضاب نموده فرمود بلی اقدام باین امور زیاد میکند عفت زنها را بتحقیق زنها ترك عفت نمودند بواسطه اینکه شوهرها ترك نمودند زینت را پس فرمود آیا مسرور میشوے اینک به بینی او را غیر مزینه عرض کردم خیر فرمود

او هم مثل تو است پس فرمود از اخلاق انبیاء است پاکیزگی و عطر  
 و ازاله مو و کثرت طر و قه فی الوسائل - عن ابی ابراهیم ، جهاد المرته  
 حسن التبعل ترجمه معصوم : میفرماید جهاد زن خوب شوهر دارے است و قوام  
 سلسله اهل عالم بمزاجت متعلق و مربوط و دوام اساس بقای بنی آدم بمناکحت  
 وابسته و منوط است فوائد دنیوی و اخروی در ضمن این امر مندرج پس  
 بنی نوع بشر را تزویجی که باعث استحکام رسته بقا و موجب انتظام امر  
 دین و دنیا است اهم و ضرور است چون وجود بنی آدم بقانون ازدواج بر  
 پا و محکم است و اساس جمعیت بشریت از ازدواج حاصل سعادت جمعیت بشریت  
 را حالا و استقبالا ازدواج علت و سبب است محبت و شفقت و قرابت بلکه  
 کافه روابط انسانی و فضایل مقبوله بشریت بطفیل ازدواج حاصل و منظم است  
 تمام ذوی الحیات حتی نباتات قانون ازدواج را تابع و سلسله عشق و محبت و  
 علاقه الفت و پیوند جنسیت را پابند و مربوطند ازدواج خادم مدنیت  
 و انسانیت است انسان بر حسب طبیعت و به مقتضای فطرت محال است که  
 در گوشه خلوت و بحال وحدت زندگیا بسر برد بلکه مجبور است با  
 بنی خود متفق و جمعیت و آرام گاهی ترتیب داده تعیش نماید و حصول  
 اجتماع را وجود مرد و زن لازم و بقاء آن بازدواج موقوف و منحصر است  
 لذا ازدواج را يك ركن اعظم انسانیت شمرده اند حکماء و پروفیسور های  
 دنیا ازدواج را خدمتی بزرگ برای وطن و بقاء ملت دانسته اند برای تسواید  
 و افزونی ملت ترغیب بازدواج مینمودند علاوه نزد حکماء و اطباء قدیماً و  
 جدیداً امر ازدواج صرف حصول تناسل مقصود و مراد نیست بلکه يك فعل  
 طبیعی منظور است که تمام اعضاء جسمانی را نشوونما داده افعال حیاتی و مملکت  
 عقلیه را قائم و دائم بدارد مثلاً هر ذی روحی که صاحب اعضاء هاضمه  
 است چنانچه برای زیست از اکل و شرب و دفع فضلات پابند امر طبیعی است

هم چنین تمام مخلوقی که دارای اعضاء تناسل اند برای ابقاء و اجراء امور متعلقه باعضاء تناسلی بازدواج مجبور و ناچارند چنانچه هر انسانی را وقت گرسنگی خوردن و وقت تشنگی آشامیدن فرض و ضرورت است همچنین موقع اشتیاق و اشتعال قوه شهویه اعتدال مزاج و صحت بدن و جمعی حواس به جماع منوط و مربوط است لذا شارع مقدس جماع را برای جوانان مهم دانسته از دواج صحت بدنرا پایدار میکند آتش هوا و خیالات فاسده را تسکین میدهد خوابهای عاشقانه و پریشانرا دور می نماید حال که فهمیدیم ازدواج وسیله اخلاق حمیده و خصال پسندیده و ملجاء بشریت و حافظ صحت و مایه انسانیت است خوبست دستور بزرگان و مریبان بشر را آنچه وظائف مقرر فرموده اند اطاعت و پیروی نمودن تا بهره او را دیده و ثمره او را چشیده بیانات رسول خدا و ائمه هدی را نسبت بوظائف مردوزن تفکر کن دستوری است که منشاء نتایج عالیه و فوائد حسنه خواهد بود شجره ایست که ثمره آن شیرین و مفرح روح پس علة العال سعادت و مسبب الاسباب نجات همانا عمل نمودن بوظائف است که موجب اتحاد و محبت زن و شوهر است هیچ چاره و هیچ راه نجاتی برای جلوگیری از ملك الموت زندگانی جز تمسك بریسمان محکم یگانگی و هودت با یکدیگر متصور نیست در این صورت لازم و متحتم است که خانه داخلی را از لطمات موجهائے مخالفت و خصومت نگاهدارے کنیم و از منازعه و مشاجره باهم که جز خرابی خانمان نتیجه نمیدهد بانهایت جد و جهد و با يك ثبات قدم باید احتراز جوئیم برعکس عمل نه نمودن بوظائف شجره ایست که ثمره آن تلخ تر از حنظل و کشنده روح برای قبض روح سعادت و خوشبختی عزرائیلی هولناک تر از این در تصور نمی گنجد بحکم شرع و عقل و به فتوی تجربه جمیع ملل راقیه نزاع داخلی و فتنه و آشوب بین زن و شوهر



مانع ترقی و جلوگیر از سعادت انسانی است جز خسارت خانی و مالی و تحلیل قوای دماغی فائده دیگری عاید نگردد روز بروز بر پریشانی و فقر خواهد افزود و ثعلیة فتنه بالا خواهد گرفت ضرر این فتنه نه منحصر است بخود آنها برهم زنده دو طائفه است بلکه مؤثر بجامعه و مملکت خواهد بود از این جهت است که در بعضی از ممالک بوظائف خود عمل نموده توقیر و احترامات همدیگر را مواظبت نموده و باو اهمیت میدهند خاصه نسبت بزین این معنی فوق العاده مورد توجه و آنها را معزز و محترم میدارند و اگر در این اخبار که راجع است بتوقیر و احترامات زن و محبت و احسان نمودن بآنها دقت شود معلوم خواهد شد که حقیقت این اخبار در بعضی از ممالک طلوع کرده و جلوه خود را میدهد و آنها را مطیع این قانون خواهند دانست

## حالات زن در قدیم

سورة مبارکه نحل - و اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم يتوارى من القوم عن سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام يدسه فی الترات الاساء ما يحکمون ترجمه وقتیکه بشارت داده میشد بدختر سیاه می گردید صورت او و مجزون میگرددید و پنهان میشد از مردم از خجالت و بدی این مژده متفکر بود ایانکه دارد او را با خارے و عار یابنهان کنداورا در خاک آکاه باشید بداست آنچه را که حکم میکردند \* کسانیکه مطالعند از تاریخ میدانند در زمان قدیم زن در جامعه بشر حکم صفر داشته اهمیت باو نمیدادند در شمار کنیزان و خدمتکاران بوده شخصیتی نداشته بلکه از را بین انسان و حیوان جنس ثالثی فرض میکردند بست تر از بنائم

و حیوانات گردید مرد بر او حکمران و فعال ما یشاء بود بهوا و هوس خود آنچه را که میخواست در باره او مینمود زن بسیار کوچک و ذلیل و پست شد امر حیات و ممات آنها بدست مردان بود حتی بکشتن او و زنده بگور گذاردن او طائفه بزرگی از عرب دختران خود را زنده بخانه قبر پنهان و در یرده خاك مستور مینمودند هنگام زائیدن گودالی میکنند و در سر آن گودال می نشستند و میزائیدند هر گاه دختر بود فوراً او را زنده در گودال انداخته دفن مینمودند و اگر پسر بود بر میداشتند و بزرگش می نمودند در عصر جاهلیت و زمان بربریت طائفه دختران را به معرض خرید و فروش در آورده متجر خود قرار میدادند همان معامله که با کنیزان و دیواب میکردند با زن هم همان معامله را میکردند هر گاه برای مردی دختر بعهده وجود می آمد از کثرت حیا و خجالت نمی توانست در حلقه مردان در آید گویا گداهای بزرگ از او سر زده که از او دختر شده تاریخ زن گریه آور و غم انگیز است داستانی است بر از شدائد و مهالك در روز کار های ظلمانی چه رنجها برده در بدجاری و درمندگی چه مراحل پیموده مجسمه بی اراده شد که جامعه اسارت را می پوشید و عمری در ذلت میگذرانید همینکه خورشید عالمتاب اسلام طالع نمود قواعد و قوانین محکمه نهاد که زنها از گمنامی و بد نامی رهائی بخشید و از حضیض مذلت باوج عزت برساند حدود زنها معین و تکالیف او را مشخص و بقدر قابلیت واستعداد او را متمتع و متخصص بنعم و خصائص فرمود که در آسایش و رفاه در هیئة اجتماعیة بسهوات و آرامی و عزت و شرافت زندگانی کنند از اینوقت زن مقامی یافت و حقوقی بدست آورد حیات نویرا پیدا کرد در تحت لواء اسلام معزز و محترم گردید

## تشکر کنید از مولود سوی الخلقه

فی الوسائل - کان علی بن الحسین ؛ اذا بشر لولد لم یستله اذکر هو ام انثی حتی یقول سوی فاذا کان سویا قال ؛ الحمد لله الذی لم یخلق منی خلقاً مشوهاً ترجمه وقتیکه خبر داده میشد علی بن الحسین ؛ از مولود ابتدا سئوال نمی فرمود پس است یا دختر سئوال میفرمود آیا صحیح و سالم است خلقت او یا ناقص پس از مرده صحت میفرمود حمد خدا را که خالق فرمود از من اولاد قبیح و ناقص الخلقه را

## مهمانی، رفتن بی دعوت

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال اذا دعی احدکم الی طعام فلا یتبعن ولده فانه ان فعل اکل حراماً و دخل عاصیاً ترجمه جعفر بن محمد الصادق ؛ می فرماید وقتی که دعوت کرده شد کسی بسوی طعام البته همراه نبرد ولد خود را اگر کرد خورده است حرام و داخل شده است عاصیاً فی الوسائل - قال سمعت ابی عبد الله ؛ یقول من اکل طعاماً لم یدع الیه فانما اکل قطعة من النار ترجمه راوی می گوید شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود کسیکه بخورد از طعامیکه دعوت نشده است باو خورد است [قطعه از آتش را



## اخبار از مکر و ب و مواد سمی دهن

فی الوسائل - قال النبی ص ما زال جبرائیل یوصینی بالسواک حتی خفت ان احفی او ادرد ترجمه نبی اکرم ص میفرماید همیشه جبرائیل وصیت میکرد مرا بمسواک تا اینکه ترسیدم بآنها برسایم یا بکلی از بین به برم

فی الوسائل - قال رسول الله ص ما زال جبرائیل یوصینی بالسواک حتی ظننت انه سيجعله فريضة ترجمه رسول اکرم ص میفرماید همیشه جبرائیل وصیت می کرد مرا بمسواک تا گمان کردم واجب خواهد کرد او را

فی الوسائل - قال رسول الله ص لو لا ان اشق علی امتی لامرتهم بالسواک مع کل صلوة ترجمه رسول اکرم ص می فرماید اگر نبود که به مشقت می انداختم امت خود را هر آینه واجب میکردم مسواک را بامر نمازی

فی الوسائل - قال رسول الله مالی اراکم قلیحاً ما لکم لا تستاکون ترجمه رسول اکرم ص فرمود می بینم دندانهای شمارا زرد و چرک چه چیز است شمارا که مسواک نمیکنید فی الوسائل - قال النبی ص لعلی ، یا علی عليك بالسواک عند وضوء کل صلوة ترجمه نبی اکرم ص فرمود یا علی بر تو باد به مسواک در وضوء هر نمازی فی الوسائل - فی وصیة النبی ص لعلی ، قال عليك بالسواک لكل وضوء ترجمه نبی اکرم ص بعلی ، فرمود بر تو باد به مسواک در هر وضوئی فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ، السواک یجلو ابصر ترجمه علی علیه السلام میفرماید مسواک جلا میدهد چشم را فی الوسائل - عن ابی جعفر ، قال شکت الکعبة الی الله عز وجل ما تلقی من انفاس المشرکین فاحی الله الیها قری کعبة فانی مبدلک بهم قوماً یتظفون بغضبان الشجر فلما بعث الله محمداً اوحی الیه مع جبرائیل بالسواک والخلال ترجمه محمد بن علی الباقر ، میفرماید شکایت کرد کعبه سوسه خدا

از نفسهای مشرکین خدا وحی کرد قرار بگیر ای کعبه مبدل میکنم این قوم را بقومی که نظیف می کنند خودشانرا بشاخه های درخت بس چون مبعوث شد محمد ص وحی کرد باو به مسواک و خلال فی الوسائل - قال ابو جعفر، لكل شیء طهور و طهور السواک ترجمه محمد ابن علی الباقر، میفرماید برای هر چیز آلت نظافت است آلت نظافت دهن مسواک است فی الوسائل - عن ابی جعفر، قال السواک یذهب بالبلغم ویزید فی العقل ترجمه حضرت باقر، می فرماید مسواک می برد بلغم را و زیاد میکند عقل را فی الوسائل - عن ابی عبدالله، قال السواک یذهب بالدمعة و یجلاو البصر ترجمه حضرت صادق، میفرماید مسواک می برد ترشح آب چشم را و جلا میدهد نور او را فی الوسائل - روى لو علم الناس ما فی السواک لابانوه، عههم فی لحاف ترجمه روایت شده است از معصوم، اگر بدانند مردم چه منافعی است در مسواک هر آینه بیوته میکردند زیر لحاف با مسواک فی الوسائل - عن ابی عبدالله، قال رکعتان بالسواک افضل من سبعین رکعة بغير سواک ترجمه حضرت صادق، میفرماید دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک فی الوسائل - عن ابی عبد الله، قال فی السواک اثنا عشرة خصلة هو من السنة و سطهرة للغم و مجلاة للبصر و یرضی الرب و ینهب بالبلغم و یزید فی الحفظ و ینفض الاسنان و یضعف الحسنات و ینهب بالحقیر و یشد اللة و یشهی الطعام و تفرح به الملائكة ترجمه جعفر ابن محمد الصادق، میفرماید در مسواک دوازده خصله است عمل بقانون. آلت نظافت است از برای دهن. آلت جلا است از برای چشم. خوشنود میکند خدا را. می برد بلغم را. زیاد میکند قوه حافظه را. سفید میکند دندانها را. مضاعف میکند حسات را. می برد زردی دندان را. محکم میکند لثه را. زیاد میکند میل بطعام را. فرح ناک میشود بواسطه او مائکة فی الوسائل - عن ابی عبد الله،

قال من سنن المرسلين السواك ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید از سنن و قوانین انبیاء مسواک است فی الوسائل - قال ابو عبد الله ؑ من اخلاق الانبياء السواك ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید از اخلاق انبیاء مسواک است فی الوسائل -

قال لابی عبد الله ؑ انرى هذا الخلق كلهم من الناس فقال ؑ الق منهم التارل للسواك ترجمه کفنه شد بحضرت صادق ؑ آیا تمام این مردمرا انسان میدانى فرمود القاء کن از آنها تارك مسواک را چه کلمه مسموم و فاسد بودن خون مزاج را از حال طبیعی خارج و تغییراتی در بدن میدهد باعث بسیاری از مرضها خواهد شد مخصوصاً اعضاء ریه را از قبیل قلب کبید معده از عمل باز میدارد چون جزء عمده خون عبارت است از عده زیادی اجزاء صفار مسموم به گلبول که در آن شناورند يك ميليتر مکعب خون کرور ها از این اجسام را حاوی است عمل آنها است جذب اکسیژن و حمل آن با کمال سرعت در تمام اجزاء بدن خون فاسد گلبولها را ضعیف نموده این است که درست بعمل خود استقامت نمیکند بعلاوه علت عمده بروز امراض مسریه بواسطه میکروب هائی است که در هوا پراکنده و متفرق است در مواقع متناسب از راه تنفس وارد خون میگردد و یا مواقعیکه زخمی در سطح بدن باشد روی زخم نشسته داخل در خون شده در آنجا نشو و نما میکند و ابتلای بامراض مسریه مربوط باستعداد مزاجی و موقعیت میباشد و اشخاصیکه خون آنها فاسد و ضعیف المزاج هستند پیش تر مستعد برای قبول امراض میباشند پس از ابتلا خیلی خطرناک و اغلب در آنها منجر بمرگ میگردد پس لازم است که همیشه خود را برای استقامت و دفاع از امراض مسریه حاضر نموده و آن موقوف به تصفیه خون و دفع نمودن کثافات است از آن از اخبار شریفه همچو استفاد میشود که میکروب و کثافت دهن خون را فاسد و او را مسموم مینماید البته بادهن پر از کثافت و عفونت و بلعیدن آب دهان یا خوردن غذا و آشامیدن آب

مخلوط بآنها شده وارد معده میشوند جزء خون میگردد خون را مسموم و موجب اتلاف گلبولها میشود این است که انسان مستعد برای بسیاری از مرضها خواهد شد پس یکی از اصول مهمه حفظ الصحه مسواك و دهن شویی است در کتب حفظ الصحه مینویسد تا کنون مکروبهای بسیار بانواع مختلفه در دهان مشاهده شده اطباء و دکتراهای حاذق قسمت مهمی از مرضها را راجع بآن میدانند و بعضی از مرضها را بکشیدن دندان یا امر نمودن بمسواك معالجه میکنند جای شك و شبهه نیست که رضای حق جلای چشم ذهاب بلغم زیادی حفظ مضاعف شدن حسنات محکمی است زیاده اشتها فرح ملائکه که در خبر مذکور شد تمام آنها مربوط است بتصفیه خون خون پاک مزاج را معتدل شیطان را دور میسازد شرارت نفس را می برد اخلاق رذیله مبدل باخلاق حمیده میگردد اهمیت این مکروب بحدی است که جبرئیل همیشه موقع نزول مسئله مسواك و شست شوی دهن را تجدید و باو اهمیت میداد خداوند متعال این مکروب را بجمیع سفراء خود خبر داد لهذا تمام انبیاء شست و شوی دهان و مسواك را مواظبت می نمودند برای اهل نظر و دقت خبر شریف حیرت انگیز است فرمود نبارك مسواك از بشر محسوب نخواهد بود چگونه مراد سمی دهان نبارکین مسواك را از درجه و رتبه انسانیت خلع مینماید معلوم میشود کارخانه بدن را از نظام طبیعی رو بفساد و اضمحلال میگذارد نه تنها مؤثر در خرابی مملکت بدن است بلکه عادات حسنه و اخلاق حمیده او را مبدل بعادات قبیحه و اخلاق رذیله خواهد نمود و آفتاب علم و دانش وجودت ذهن از افق او غروب خواهد کرد پس آدمی که دارای يك همچو عنصر و روحی شد البته از دایره انسانیت خارج و از بنی نوع بشر محسوب نخواهد شد



## حفظ الصحة و اخبار اراسيد ك ربونيك

في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال نهى رسول الله ص عن العبة الواحدة في الشرب و قال ص ثلاثاً و اثنتين ترجمه صادق آل محمد ؛  
 مي فرمايد نبی اکرم ص نهی فرمود از آشامیدن آب يك نفس فرمود آشاميدنه شود  
 به سه نفس يا دو نفس في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال كان امير المؤمنين ؑ  
 يكثر النفس الواحد في الشرب و قال ؑ ثلثة انفاس او اثنتين  
 ترجمه حضرت صادق ؑ می فرماید علی ؑ کثرت داشت از آشامیدن  
 آب به يك نفس فرمود آشامیده شود سه نفس يا دو نفس في الوسائل -  
 عن ابي عبد الله ؑ انه شرب و نفس ثلث مرات ير توي في الثالثة  
 ترجمه راوی ميگويد حضرت صادق ؑ آب ميخورد سه نفس در مرتبه سوم سیراب ميشد  
 في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال ثلثة انفاس في الشرب افضل  
 من نفس واحد ترجمه راوی ميگويد حضرت صادق ؑ فرمود آشامیدن آب  
 به سه نفس افضل است از يك نفس في الوسائل - قال ابو عبد الله ؑ ان  
 الرجل منكم ليشرب الشربة من الماء فيوجب الله له بها الجنة ثم قال  
 انه لياخذ الاناء فيضعه على فيه و يسمي ثم يشرب فينحيه و هو يشتهي  
 فيحمد الله ثم يعود فيشرب ثم ينحيه فيحمد الله ثم يعود فيشرب ثم ينحيه  
 فيحمد الله فيوجب له عز وجل بها الجنة ترجمه صادق آل محمد ؑ می  
 فرمايد ممكن است بواسطه آشامیدن آب خداوند متعال بهشت را براسه  
 انسان واجب كند فرمود ميگيرد ظرف آب بر ا بدست و بسم الله ميگويد  
 و می آشامد پس دور ميبرد ظرف آب را در حالتيكه مایل است بار و حمد  
 ميكند خدا را باز شروع ميكند آشامیدن و دور بردن ظرف و حمد ميكند  
 خدا را باز شروع ميكند آشامیدن و دور بردن ظرف و حمد ميكند خدا را



واجب میکند خدا بهشت را از برای ارفی الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله  
الله يقول ان الرجل ليشرب الشربة فيدخله الله بها الجنة قلت وكيف  
ذلك قال ؛ ان الرجل ليشرب الماء فيقطعه ثم ينحى الماء وهو يشتهي  
فيحمد الله عز وجل ثم يعود فيه فيشرب ثم ينحى و هو يشتهي فيحمد  
الله عز وجل ثم يعود فيشرب فيوجب الله عز وجل له بذلك الجنة  
ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود ممکن است بواسطه  
آشامیدن آب خداوند متعال انسان را داخل بهشت کند عرض کردم چگونه  
میشود این مطلب فرمود انسان می آشامد آب را پس قطع شرب میکند و  
دور میرود ظرف آب را در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای  
عز وجل را باز شروع میکند آشامیدن و قطع نمودن شرب و دور بردن  
ظرف در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای عز وجل را باز  
شروع می کند آشامیدن خداوند واجب می کند بهشت را از برای او  
فی الوسائل - عن ابي عبد الله ؛ قال اذا شرب احدكم الماء فقال  
بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال  
الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله سبح ذلك  
الماء له مادام في بطنه الى ان يخرج ترجمه صادق آل محمد ؛  
میرماید موقع آشامیدن آب کسیکه بگوید بسم الله و بیاشامد پس قطع  
کند شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد و قطع کند  
شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد و قطع کند  
شرب را و بگوید الحمد لله تسبیح میکند آب برای او مادام که در شکم  
او است فی البهار - و كان ص لا يتنفس في الاناء اذا شرب فان اراد  
ان يتنفس ابعده الاناء عن فيه حتى يتنفس ترجمه نبی اکرم ص در  
بین شرب تنفس نمی کرد در ظرف اگر اراده می کرد تنفس را دور می برد  
ظرف را از دهن و تنفس مینمود ۱۵

بطور خلاصه تنفس عبارت است از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیک چون هوا داخل در ریه گشت از تمام معبره‌های خود سیر نموده مقداری از اکسیژن آن از جدار عروق نفوذ نموده داخل خون میشود به معاونت خون در تمام اجزاء بدن گردش مینماید معده را تقویت و ترشحات او را معتدل میسازد تجدید تنفس و وارد نمودن اکسیژن در بین شرب بهترین عمل و وسیله است برای تقویت معده سبب سرعت هضم میگردد آب را جزء خون میکند پس فرمایش معصوم؛ ازاینکه آنامیده شود آب به نفس یادوتنفس مطابق است با حفظ الصحه خاصه که انسان در این حال تکلم کند چون نطق بحسب طبیعت فشاری به بدن میدهد خون را بجریان میاندازد این است که کشیدن نفس و تکلم نمودن کاملاً آب را جزء خون و مزاج را سالم مینماید و در تنفس نمودن رسول اکرم ص در ظرف و دور بردن او را از دهان و هکذا دستور حضرت صادق؛ بقطع نمودن شرب و دور بردن ظرف مقصود از دور بردن ظرف آب گمان میرود نظر به نرسیدن نفس است به سطح آب چون با بودن ظرف نزدیک دهن و کشیدن نفس و تکلم نمودن قطعاً گازسمی واسید کربونیک بسطح آب خواهد رسید و او را مسموم خواهد نمود این است که دستور میدهد بدور بردن ظرف پس حدیث شریف خیر میدهد از اسید کربونیک و منتهی درجه حفظ الصحه را بما تعلیم میدهد لولا این معنی دور بردن ظرف آب چیست وجه معنی را اشاره است در این صورت عملیکه خون را نصفیه بدن را سالم مزاج را معتدل و شکر هم از منعم حقیقی نموده باشد البته استحقاق بهشت را پیدا خواهد کرد و مراد از تسبیح آب در شکم نه مثل تسبیح انسانی است و گفتن سبحان الله است مقصود زبان حال او است چون عمل به این کیفیت اسرع طریق است

برائے رسانیدن اورا بکمالات و اورا جزء بدن انسان نمودن بعبارت اخرے  
اگر خلعت شعور و ادراك باوجود پوشانیده شود همان کلمه سبحان الله از او  
ظاهر و بزبان خود تنزیه حق گوید انشاء الله در باب خودش در تسبیح نمودن  
انبیاء حضرت احدیت را مفصلاً ذکر خواهیم نمود

## اخبار از سوپ

فی البهار - وابدء فی اول الطعام باخف الاغذیة التي یغتنی بها بدنك  
بقدر عادتك و بحسب طاقتك و نشاطك و زمانك ترجمه علی ابن موسی الرضا  
فرمود ابتدا کن قبل از خوردن طعام به سبک ترین غذائی که تربیت میدهد  
بدن تو را بقدر عادت و بحسب طاقت و میل و بحسب اختلاف زمان  
عبارت جزء خبرے است موسوم برسالت الذهبیه مراد از سبکی غذا غذائست  
که پس از ورود بمعدة بقوریت جزء بدن شود البته چنین غذائی مری بدن  
جهت تقویت مزاج بسیار نافع خواهد بود و امروزه غذاء لطیف و مقوی  
که در دنیا میان ملل راقبه قبل از طعام معمول و متداول است موسوم است  
به سوپ و بحسب فرمایش معصوم؛ سوپ بواسطه اختلاف شهور و چهار فصل  
سنوی مختلف خواهد بود

## صدر نشستن مضیف

فی البهار - قال الراوی انی فی منزلی يوماً فدخل علی الخادم فقال  
ان فی الباب رجلاً یکنی بابی الحسن ، یسمی موسی ابن جعفر ، فقلت یا غلام  
ان کان الذی اتوهم فانت حر لوجه الله قال فبادرت الیه فاذا انی به فقلت  
انزل یا سیدی فنزل و دخل المجلس فذهبت لارفعه فی صدر البیت فقال لی  
یا فضل صاحب المنزل احق بصدر البیت الا ان یکون فی القوم رجل من بنی  
هاشم فقلت فانت اذا جعلت فداک ترجمه راوی میگوید نشسته بودم در منزل

خادم خبر داد که در منزل شخصی است مکنی بابی الحسن مسمی بموسی ابن جعفر؛ بخادم گفتم اگر کسی که آمده است شخصی است که تو میگوئی آزادی در راه خدا با عجله حرکت کردم دیدم او است که خادم گفته عرض کردم فرماید اے آقائے من پس داخل شد و نشست در مجلس خواستم او را بصدر جای دهم فرمود صاحب منزل اولی است بصدر مگر اینکه بوده بآمد هاشمی در مجلس عرض کردم فدای تو شوم شما میباشید هاشمی از آداب و قوانین بعضی از ممالک امروزه این است که صاحب منزل موقع مهمانی صدر مجلس میشیند و از یمن و یسار سایر مهمانها هر کدام در مکانی نشسته و باین حالت صورت مجلس را تشکیل میدهند حال نقطه نظر آنها از صدر نشستن مضیف چیست و از روی چه حکمت معمول آنها است معلوم نیست لیکن آنچه را که از خبر شریف بنظر میرسد از اینکه فرمود صاحب منزل اولی است بصدر احترامات مضیف و تشویق مهمانی است که رکن اعظم تالیف بشر باو است چون هر کس نسبت بعمل نیک و برجسته خود قابل توجه و مورد تقدیس خواهد شد شارع مقدس نظر بتزحمات و مخارجات فوق العاده مضیف او را متوز شعرده نظر باطعام و احترامات او از عده او را محترم دیده اینست که صدر مجلس را باو تفویض نمود

## کیفیت مهمانی در مدینه

فی البجار - قال الراوی حجبت و معی جماعه من اصحابی فایت المدینه فقصدا مکاناً نزله فاستقبلنا غلام لابی الحسن موسی ابن جعفر ، علی حمار له اخضر یتبعه الطعام فنزلنا بین النخل و جاء هو فنزل و اتی بالطشت و المأفید و غسل یدیه و ادیر الطشت عن یمینه حتی بلغ اخرنا ثم اعید من یساره حتی اتی علی اخرنا ثم قدم الطعام فبدء بالملح ثم قال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم

ثم أتى بالخل ثم أتى بكتف مشوى فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان  
 هذا طعام كان يعجب النبي ص ثم أتى بالخل والزيت فقال كلوا بسم الله الرحمن  
 الرحيم فان هذا طعام كان يعجب فاطمه ؛ ثم أتى بالسكباج فقال كلوا  
 بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب امير المؤمنين ؛ ثم أتى  
 بلحم مقلوفه باذنجان فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان  
 يعجب الحسن بن علي ؛ ثم أتى بلبن حامض قد ثرد فيه فقال كلوا بسم الله  
 الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب الحسين بن علي ؛ ثم أتى باضلاع  
 باردة فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب علي  
 ابن الحسين ؛ ثم أتى بجبن مبرز فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا  
 طعام كان يعجب محمد بن علي ؛ ثم أتى بتورفيه بيض كالعجة فقال كلوا  
 بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب ابي جعفر عليه السلام ثم أتى  
 بحلواء فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجبني  
 ترجمه راوی میگوید در سفر مکه بانفاق جماعتی از همراهان وارد مدینه  
 شدیم در جستجوی منزل بودیم در این بین استقبال کرد ما را خادم موسی  
 ابن جعفر ؛ سوار الاغی بود سبز چهره همراه او بود چیزهایی خوراکی بانفاق  
 وارد شدیم در نخلستانی بعد شریف آوردند موسی ابن جعفر ؛ حاضر کرد  
 طشت و آبی را پس ابتداء کرد بشستن دست خود بعد شروع شد بشستن دستها از طرف  
 راست تا آخر بعد شروع شد از طرف چپ تا آخر پس ابتدا کرد بنمک فرمود  
 بخورید بنام خدا ثانیاً خوردند سرکه را بعد آورد کتف بریان شده را  
 فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باورسول خدا ص بعد آورد  
 سرکه و زیت را فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو فاطمه ؛ بعد  
 آورد آب گوشتی را که پخته بودند او را از گوشت و سرکه فرمود بخورید  
 بنام خدا طعامی است که مایل بود باو امیرالمؤمنین ؛ بعد آورد گوشت و بادمجان  
 را که پخته بودند آنها را با هم فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که

مایل بود باو حسن بن علی؛ بعد آورد آب دوغ ترید کرده فرمود بخورید  
 بنام خدا طعامی است که مایل بود باو حسین ابن علی؛ بعد آورد دندهای  
 بسیار خوش مزه فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو علی  
 ابن الحسین؛ بعد آورد پنیر بسیار تمیز و پاکیزه فرمود بخورید بنام خدا  
 طعامی است که مایل بود باو محمد ابن علی؛ بعد آورد ظرف کوچک خرفی  
 که در او بود تخم مرغ که شبیه بود به خاکینه فرمود بخورید بنام خدا طعامی  
 است که مایل بود باو پدرم جعفر ابن محمد؛ بعد آورد حلوا را فرمود  
 بخورید بنام خدا طعامی است که مایل هستم من باو علیه السلام خبر شریف قابل توجه  
 است چقدر شباهت دارد به مهمانیهای بعضی از ممالک امروزه کسیکه اطلاع از  
 مهمانیهای اروپا و امریکا داشته باشد تطبیق خبر شریف را خواهد فهمید آنچه را کون  
 وقانون آنها است صدر نشستن مضیف است در مجلس و نشستن مهمانهاست بطرف  
 راست و بطرف چپ و گذاردن راهی است برای پیشخدمت آنچه را که از خبر  
 شریف مستفاد میشود بملاحظه یمن و یسار کیفیت تشکیل مجلس بمینه همانطور  
 ها بوده و الا یمن و یسار و انتها داشتن آن بی معنی است دیگر وارد کردن  
 خوراک است متدرجاً که فعلاً در بسیاری از ممالک معمول و مرسوم شده و  
 در خبر هم وارد کردن حضرت خورا کرانه رقم صراحت دارد و الا در  
 صورت بودن جمیع خوراک در سفره این عبارت که ثم اتی باشد بی تناسب و  
 خارج از فصاحت خواهد بود دیگر نخوردن در ظروف مسی است بملاحظه  
 مواد کثیفه ای که در ذات مس کشف کرده اند و تبدیل دادن ظروف را بطرف  
 چینی و لعابی و خزف و لفظ تورهم که در خبر است یکی از معانی آن که  
 در لغت ضبط کرده اند ظرفی است از خزف دیگر دسری است که بعد از  
 غذا صرف میکنند که عبارت است از مقداری شیرینی و فعلاً هم در بسیاری  
 از جاها معمول و مرسوم شده است و برای تحلیل غذا و حفظ الصحه باو

اهمیت میدهند این است که حضرت خوراک را خانه داد بجلوا و شیرینی  
 میتوان آفت این مهمانی باین کیفیت اولین مجلسی است که در دنیا تشکیل و به  
 بشر تعلیم داده شد و احتیاج انسان باختلاف خوراک جهت تربیت بدن موقعش  
 انشاء الله ذکر خواهیم نمود

## انسانیت و اخبار از مکر و ب

فی الوسائل قال رسول الله ص لا یمسح احدکم بثوب من لم یسکمه ترجمه  
 رسول اکرم ص میفرماید مسح نکنید لباس کسی را که نه پوشیده است فی الوسائل -  
 قال النبی ص الا لاتحقرن شیاً و ان صغری اعینکم فانه لا صغیر بصغیر مع  
 الاصرار ولا کبیر بکبیر مع الاستغفار الا وان الله سئلکم عن اعمالکم حتی  
 ان مس احدکم ثوب اخیه بین اصبعیه ترجمه نبی اکرم ص میفرماید حقیر شمارید  
 البته چیز را اگرچه کوچک باشد در چشمهای شما نمی باشد صغیر کوچک با  
 اصرار نمی باشد کبیر بزرگ بالاستغفار آگاه باشید خدا سئوال میکند از عمل  
 های شما حتی از مس نمودن لباس برادرت را بین دو انگشتان <sup>بین</sup> نزد عقلا  
 و دانشمندان خبر شریف قابل توجه و مورد دقت است اصول حفظ الصحه را  
 متضمن اساس تمدن را حاوی انسانیت را سر مشقی است چون بعضی اشخاص  
 در نتیجه بی مولاتی و عدم اهتمام به نظافت و بی قیدگی آنها به شست و شو  
 لباس و بدن و دست آنها بر از کثافت و مواد میکروبی بوده و بحسب عادت  
 در حین ملاقات دوست و رفیق نظر یا باظهار محبت یا بدیدن پارچه بادستهای  
 کثیف و آوده بچرک و عرق لباس آنها را گرفته شروع به مس نمودن لباس  
 و ماش آن میشوند این عادت قبیحه بسیاری از مردم را که نظافت و پاکیزگی  
 را شعار خود نموده و در حفظ الصحه میکوشند متفر و منزجر مینماید زبان  
 باعراض و طرف را مورد طمن و حملات خود قرار میدهند پس لازم و واجب است

که ترك این عادت نموده باعث انزجار طباع نشوند از این جهت است که شارع مقدس مس لباس را نهی و خبر داد که مورد مسئولیت خدا خواهد بود نظر باطلاق خبر و عام بودن آن و احتمال نکات دیگر بهتر این است که بکلی بدون استثناء احدی ترك این عمل زشت شده انسانیت را پیشه خود به نمایند

## در خیابان راه رفتن و حرکت از طرف راست قانون اسلام است

فی البحار - وکان ص یحب التیامن فی کل امورہ فی لبسہ و تنعلہ و ترجلہ ترجمہ نبی اکرم ص دوست داشت طرف راست را در جمیع امور حتی در پوشیدن لباس و نعلین و پیاده شدن از مرکب ﷺ رسول اکرم ص در عصر و زمانیکه احصائیه نفوس بشر میلیونها کمتر از نفوس عصر حاضره بوده و ابداء مرکبهای سریع السیر بعرضه ظهور و بروز نرسیده بود این قانون را وضع و بشر را تعلیم داد پس امروز با این کثرت نفوس و این مرکب های سریع السیر عمل باین قانون و سیر و حرکت از طرف راست برای حفظ نفوس از مهالک و مخاطر ضرور و از اهم امور است موافق سیاست و تمدن بوده عدل و رأفت را نمایش میدهد تنظیم اجتماعیه بشر و عدم مزاحمت بهم دیگر که مقدمه آسایش و رفاهیت است منوط باو است این است که اسلام او را قانون و عمل را سر مشق جامعه قرار داد تبصره نظر به عام بودن لفظ امور و مخصوص نمودن امور غیر مهمه را بذکر لهذا خبر شریف دلالت بر حرکت نمودن حضرت را از طرف راست می نماید و این عنوان را شامل خواهد بود



## محبوبیت جاده مستقیم در اسلام

فی البحار - قال امیر المؤمنین ؑ علیکم بالبکروان بارت و الجادة و ان دارت و بالمدينة و ان جارت ترجمه علی علیه السلام میفرماید بر شما باد بزن باکره اگر چه باشد کساد بر شما باد به عبور از جاده اگر چه باشد غیر مستقیم بر شما باد بسکنی در شهر اگر چه باشد در او جور تبصره چون مقصود اهمیت دادن این سه موضوع است و لو در موارد مرجوحه پس رجحان و محبوبیت در غیر موارد مذکوره بطریق اولی مسلم است

## تسمیه فرزندان

فی الوسائل - قال رسول الله ص استحسنوا اسمائکم فانکم تدعون بها يوم القيمة قم یا فلان ابن فلان الی نورک و قم یا فلان ابن فلان لانورک ترجمه رسول اکرم ص میفرماید نیکو بگذارید اسمهای خودتان را خواننده میشوید روز حشر بان اسمها گفته میشود برخیز ای فلان پسر فلان ملحق شو بنور خودت بر خیز ای فلان پسر فلان نیست روشنائی براسے تو

فی الوسائل - ان رسول الله ص کان یغیر الاسماء القبیحة فی الرجال و البلدان ترجمه رسول اکرم ص تغییر میداد اسم های بد را در مردها و در شهرها

فی الوسائل - عن ابی الحسن ؑ قال اذل ما یبیر الرجل ولده ان یسمیه باسم حسن فلیحسن احدکم اسم ولده ترجمه معصوم ؑ میفرماید اول نیکی پدر نسبت بفرزند این است که مسمی کنند او را باسم نیک پس اسم نیک بگذارید جهت فرزندان

